فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره نوزدهم، تابستان۱۳۹۶- صفحات ۱۹۶-۱۸۱

ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانک‌ها

سید محمد تقی پورمقیم[۱]

تاریخ دریافت:۹۵/۶/۲۰ **تاریخ پذیرش:۹۵/۱۰/۱۴**

چکیده

سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، یکی از انواع سپرده‌ها در نظام بانکداری بدون ربا در ایران است که مدت‌ها در نظام حقوقی کشور با خلا قانونی مواجه بوده است. درقانون مدنی جز یک ماده در عقد مضاربه، مقرراتی در مورد قراردادهای سپرده سرمایه‌گذاری دیده نمی‌شد تا در نهایت در سال۱۳۶۲، قانون بانکی بدون ربا قراردادهای سپرده‌گذاری را به دو دسته قرض‌الحسنه و مدت‌دار تقسیم نمود اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در تبصره ماده ۳ قانون مذکور از سپرده‌گذاری مدت‌دار تحت عنوان وکالت یادشده است اما اوصاف این قرارداد تحت شمول مقررات عقد وکالت قرار نمی‌گیرد.مقاله حاضر سعی در تبیین ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری دارد. از این رو نخست تلاش شده است تا خصوصیات این سپرده‌ها مشخص شده و سپس سپرده‌های سرمایه‌گذاری با عقود معین مقایسه گردد. در نهایت ضمن تبیین ماهیت حقوقی این سپرده‌ها، راهکارهایی جهت تطبیق این سپرده‌ها با شرایط روز اقتصاد مطرح گردیده است. مقاله حاضر سعی در تبیین ماهیت حقوقی سپرده‌های سرمایه‌گذاری دارد. از این رو نخست تلاش شده است تا خصوصیات این سپرده‌ها مشخص شده و سپس سپرده‌های سرمایه‌گذاری با عقود معین مقایسه گردد. در نهایت ضمن تبیین ماهیت حقوقی این سپرده‌ها، راهکارهایی جهت تطبیق این سپرده‌ها با شرایط روز اقتصاد مطرح گردیده است.

واژگان کلیدی: سپرده‌های سرمایه‌گذاری، ماهیت حقوقی، بانکداری بدون ربا، عقود معین

طبقه‌بندی JEL: G21, K12, G21, K12

---

۱. دانشجوی دکترای مالی گرایش بانکداری دانشگاه تهران Hamed.p84@gmail.com

مقدمه

سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانک‌ها، یکی از انواع سپرده‌ها در نظام بانکداری بدون ربا در ایران است که مدت‌ها در نظام حقوقی کشور با خلا قانونی مواجه بوده است. درقانون مدنی جز یک ماده در عقد مضاربه، مقرراتی در مورد قراردادهای سپرده سرمایه‌گذاری دیده نمی‌شد تا در نهایت در سال ۱۳۶۲، قانون بانکی بدون ربا قراردادهای سپرده‌گذاری را به دو دسته قرض‌الحسنه و مدت‌دار تقسیم نمود اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که در تبصره ماده ۳ قانون مذکور از سپرده‌گذاری مدت‌دار تحت عنوان وکالت یادشده است اما اوصاف این قرارداد تحت شمول مقررات عقد وکالت قرار نمی‌گیرد. هرچند که حتی اگر وجود مقررات وکالت را هم در آن جاری بدانیم، بازهم با مشکلاتی مواجه می‌شویم. این مقاله به دنبال بررسی ماهیت سپرده‌های سرمایه‌گذاری و مقایسه آن با سایر عقود معین و بیان مشکلات این سپرده‌ها از لحاظ حقوقی می‌پردازیم.

۱. سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانکی

ماده۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا عنوان می‌دارد که بانک‌ها می‌توانند تحت هریک از عناوین زیر به قبول سپرده مبادرت نمایند:

الف: سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس انداز

ب: سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، سپرده‌گذار مبلغی مشخص به بانک جهت انجام فعالیت‌های اقتصادی به غیر از مواردی که در قانون پیش بینی شده می‌دهد تا نتیجه فعالیت‌های مذکور سودی هم به حساب او تعلق گیرد. در آئین نامه و دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا، سپرده‌های سرمایه‌گذاری به دو نوع کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم شده است. در ادامه به بیان خصوصیات حقوقی این سپرده‌ها می‌پردازیم:

۱.۱. رضایی یا عینی بودن سپرده‌های سرمایه‌گذاری

یکی از نتایج اصل حاکمیت اراده از بین بردن تشریفاتی است که پیش از آن برای انعقاد قرارداد لازم بود. در حقوق مدنی اصل رضایی بودن عقود امری پذیرفته شده است. در قراردادهای سپرده‌گذاری، رضایی بودن آن برداشت نمی‌شود. بعبارتی صرف توافق سپرده‌گذار و بانک برای کامل شدن قرارداد سرمایه‌گذاری کافی نیست و سپرده‌گذار وجوه مشخصی را نیز می‌بایست به بانک تسلیم نماید تا انعقاد قرارداد تکمیل گردد.

۱.۲. تملیکی یا عهدی بودن سپرده‌های سرمایه‌گذاری

طبق ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک وکیل سپرده‌گذاران است که اثر مستقیم آن ایجاد اذن است. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان این قسم از سپرده‌ها را قرارداد تملیکی دانست اما به نظر می‌رسد با عنایت به ماهیت این سپرده‌ها، قصد متعامدین، عرف بانکداری و این که بانک درآن بسان مالک تصرف می‌کند و طرف قرارداد هم بانک را اصیل می‌داند و نه وکیل، باید قراردادهای سرمایه‌گذاری را نوعی قرارداد تملیکی بدانیم.

۱.۳. لازم یا جایز بودن سپرده‌های سرمایه‌گذاری

درنگاه اول، سپرده‌های مدت‌دار مطابق ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، که بانک وکیل سپرده‌گذار اعلام شده و عقد وکالت نیز با عنایت به ماده ۶۷۸ به بعد قانون مدنی عقدی جایز است، عقدی جایز به شمار رفته و اثر عقد جایز که قابل فسخ بودن آن از سوی هریک از متعامدین است برآن مترتب است. اما ایراداتی به شرح زیر به جایز بودن این قراردادها وجود دارد. اولا در ادامه خواهیم دیدکه این تعبیر با ماهیت قرارداد سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری سازگار نیست. ثانیا مبانی جواز عقد شامل اذن، نظم عمومی و ایجاد حق برای یک طرف در سپرده‌های مدت‌دار دیده نمی‌شود. ثالثا قصد اصلی متعاقدین در قراردادهای سپرده‌گذاری مدت‌دار، اعطای اذن از سوی سپرده‌گذار به بانک نیست. رابعا اگر قرارداد سرمایه‌گذاری را با توجه به وکالت تلقی شدن رابطه بانک و سپرده‌گذار قراردادی جایز بخوانیم با توجه به اینکه وکالت از نظر قانون مدنی با فوت و حجر طرفین زایل می‌شود، باید قرارداد سپرده‌گذاری مدت‌دار هم با فوت و حجر طرفین فسخ شود. در صورتی که با فوت، وراث صاحب حساب، ادامه دهنده این قرارداد و قائم مقام عام مورث محسوب می‌شوند.

۲. تفاوت سپرده‌گذاری با سایر عقود

۲.۱. سپرده‌گذاری و وکالت

ماده ۶۵۶ قانون مدنی در تعریف عقد وکالت می‌گوید" وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

وکالت دارای ویژگی‌هایی بدین شرح است: اولا وکالت از نظر قانون مدنی عقدی جایز اذنی است و با فوت و حجر طرفین متعاقدین وفق ماده ۶۷۸ قانون مدنی فسخ می‌گردد. اما از آنجایی که هدف متعاقدین در وکالت صرفا اذن نیست و هدف موکل تعهد وکیل و هدف وکیل هم اجرت کار خویش است، میتوان وکالت را نوعی عقد عهدی هم به حساب آوریم. دوم وکالت طبق ماده ۶۷۹ و ۶۸۱ قانون مدنی عقدی جایز است. سوم ید وکیل امانی است. چهارم وکالت یک عقد

رضای است و بدون نیاز به هیچ تشریفات خاصی واقع می‌شود. پنجم وکیل اعمال مورد وکالت را به نیابت از موکل انجام می‌دهد.

طبق تبصره ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا و ماده ۱۱دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی رابطه میان سپرده‌گذار و بانک به وکالت تعبیر شده است. اما به نظر نمی‌رسد سپرده‌گذاری سرمایه‌گذاری چه از نظر تحلیل علمی و چه از نظر مقتضیات عملی با عقد وکالت مطابق باشد. اشکالات وارد بر وکالت خواندن این سپرده‌ها به شرح زیر است: اولا وکالت عقد تملیکی نیست، اذنی یا نهایتا عهدی است. حال اینکه نپذیرفتن تملیک در سپرده‌گذاری مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند. بانک‌ها در فعالیت‌های اقتصادی خود که وجوه آن از محل سپرده‌گذاری بدست می‌آید عملا به عنوان مالک عمل می‌نمایند و اشخاص طرف قرارداد با بانک‌ها نیز آن‌ها را اصیل می‌دانند و نه وکیل. از این رو اعمال بانک‌ها دامن‌گیر خود آن‌ها می‌شود و نه سپرده‌گذار. همچنین در عمل اگر بانک بخواهد به عنوان وکیل عمل کند باید برای میلیون‌ها سپرده‌گذار، وجوه را به تفکیک نگهداری و محل به کارگیری هر یک را مشخص نماید که این امر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

دوم وکالت در قانون مدنی عقدی جایز است. درصورتی که در قراردادهای سپرده‌گذاری مدت‌دار این گونه نیست. به عنوان مثال در یک سپرده‌گذاری دو ساله اگر در سال اول سپرده‌گذار فوت نماید عقد فسخ نمی‌شود اما اگر سپرده‌گذاری را وکالت در نظر بگیریم، انحلال آن با فوت و حجر امری بدیهی است.

سوم مسئولیت امین در فرض تلف یا نقصان مال متفرع بر تعدی یا تفریط است در غیر این‌صورت امین مسئولیتی ندارد اما در مورد سپرده‌گذاری نمی‌توان این حرف را زد زیرا ید بانک نسبت به سپرده‌ها امانی نیست. همچنین تعهد وکیل تعهد به وسیله آن اگر ما مسئولیت بانک را بسان وکیل در صورت تعدی و یا تفریط در نظر آوریم، رغبت سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری به شدت کاهش می‌یابد.

چهارم این که بانک بخواهد به عنوان وکیل در فعالیت‌های موضوع تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی از سوی سپرده‌گذار شرکت کند به این معناست که سود حاصل از اعمالی که به نیابت انجام می‌دهد برای موکل یعنی سپرده‌گذار باشد. چون اصیل سپرده‌گذار است و بانک باید صرفا به گرفتن حق‌الوکاله اکتفا کند. حال این‌که در سپرده‌ها این‌گونه نیست و سپرده‌گذار هیچ‌گاه از میزان سود حاصل از فعالیت‌های بانک آگاه نیست.

پنجم با توجه به این که در قرارداد وکالت، وکیل به عنوان نماینده موکل عمل نموده و یکی از تکالیف وکیل طبق ماده ۶۶۸ قانون مدنی ارائه حساب دوره تصدی به موکل است. در صورتی که بانک‌ها هیچ‌گاه این کار را انجام نمی‌دهند.

از این رو روشن است که ماهیت حقوقی سپرده‌گذاری مدت‌دار علی‌رغم تصریح ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا با وکالت سازگار نیست و این ماده صرف‌نظر از این‌که به هیچ وجه با قصد متعامدین که در اعمال حقوقی کارگزار اصلی هستند، هماهنگ نیست با قواعد باب وکالت هم سازگاری ندارد. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا قانون‌گذار تلاش کرده تا قرارداد سپرده‌گذاری مدت‌دار را وکالت معرفی نماید. پاسخی که به نظر می‌آید این است که نظریه وکالت برای غیر ربوی نمودن فعالیت‌های بانکی و توجیه سود پرداختی به سپرده‌گذاران طراحی شده است.

۲.۲. سپرده‌گذاری و ودیعه

طبق ماده ۶۰۷ قانون مدنی ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آن که آن را مجانا نگهداری کند. ودیعه دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر می‌باشد:

اولا ودیعه عقدی تملیکی است. چرا این که پس از انعقاد عقد، مالک مالکیت خود را به نگهدارنده مال منتقل نمی‌کند و تنها نگهدارنده نائب مالک و ماذون از جانب او در نگهداری مال می‌گردد. دوم اینکه با عنایت به این که مالی به امین تملیک نمی‌شود، نام برده موظف است در زمان انحلال عقد، عین مالی را که در اختیار او برای نگهداری قرار گرفته بود برگرداند نه چیز دیگری. سوم ودیعه عقدی جایز است. از این رو هریک ازمتعامدین می‌تواند آن را فسخ کند. چهارم ودیعه یک عقد رضایی است و برای تحقق آن جز قصد متعاقدین تشریفاتی ضروری نیست. پنجم مستودع امین محسوب می‌شود و مطابق قاعده تصرف در مال غیر به استناد قاعده علی‌الید، ضمانی است اما آن چه از این اصل ضمان به طور تخصصی یا تخصیصی خارج و یا اخراج شده امانت است. از این رو مسئولیت امین درصورت تلف مال مطلق نیست و مقید به تعدی و تفریط امین است.

دلایل ناسازگاری سپرده‌های بانکی با عقد ودیعه در ادامه بررسی می‌گردد. اولا سپرده‌گذاری قراردادی تملیکی است حال این‌که در ودیعه هیچ مالی به امین تملیک نمی‌شود. از این رو نام برده مکلف است عین‌مال مورد امانت را مسترد نماید. دوم سپرده‌گذاری برخلاف ودیعه قراردادی لازم است. سوم سپرده‌گذاری قراردادی عینی است بر خلاف عقد ودیعه. چهارم سپرده‌گذاری مدت‌دار در تبصره ۳ قانون عملیات بانکی رابطه سپرده‌گذار و بانک را وکالت توصیف کرده نه ودیعه. از این رو به نظر می‌رسد که تفاوت‌های میان این دو نهاد حقوقی مانع یکسان تلقی کردن ماهیت آن دو می‌شود.

۲.۳. سپرده‌گذاری و عاریه

ماده ۶۳۵ قانون مدنی عاریه را عقدی می‌داند که به موجب آن احدی از طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجانا منتفع شود. ویژگی‌های عاریه به شرح زیر می‌باشد: اول اثر اصلی عقد عاریه اذن در انتفاع است و هیچ مال یا حقی تملیک نمی‌شود. دوم با عنایت به اذنی بودن

عاریه یکی از عمده‌ترین مبانی عقود جایز که اذن باشد محقق می‌شود. در نتیجه عاریه عقدی جایز است. سوم عاریه عقدی رضایی است و از هیچ یک از مواد قانون مدنی لزوم قبض برداشت نمی‌شود. چهارم ید مستعیر امانی است و مسئولیت او در صورتی است که مرتکب تعدی یا تفریط شده باشد. پنجم طبق ماده ۶۳۷ قانون مدنی هر چیزی که بتوان به ابقا اصلش از آن منتفع شد می‌تواند موضوع عقد عاریه گردد.

با توجه به ویژگی‌های عقد عاریه نمی‌توان ماهیت قرارداد سپرده‌گذاری را بدین دلایل عاریه خواند: اول عاریه عقدی اذنی و جایز است حال این‌که سپرده‌گذاری دقیقا عکس آن است. دوم مسئولیت مستعیر بسان امین است اما وضعیت بانک با توجه به ماده ۴ قانون عملیات بانکی بدون ربا متفاوت است. سوم مال مورد عاریه ضرورتا باید از اموال مصرف نشدنی باشد. حال این که موضوع قرارداد سپرده‌گذاری مورد بحث که پول است مالی مصرف شدنی تلقی می‌گردد.

۲.۴. سپرده‌گذاری و مضاربه

ماده ۵۴۶ قانون مدنی می‌گوید مضاربه عقدی است که به موجب آن احد متعاملین سرمایه می‌دهد با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشند. ویژگی‌های عقد مضاربه به شرح زیر است: اول مضاربه عقدی تملیکی نیست به این معنی که در نتیجه عقد مضاربه مالی به مضارب تملیک نمی‌شود. دوم ماده ۵۵۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد مضاربه عقدی است جایز اما مبانی جواز در آن دیده نمی‌شود. همچنین از آن جایی که مضاربه عقدی مغابنه‌ای است بدین معنا که طرفین عقد موقع انعقاد عقد سعی در به دست آوردن حداکثر منافع شخصی خود دارند بدون این‌که قصد اغماض یا گذشت داشته باشند از این رو ماهیت آن با لزوم سازگار است. سوم ماده ۵۴۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که طرف دیگر با آن تجارت کرده به این معنا که عامل می‌بایست با سرمایه‌ای که در اختیار او قرار می‌گیرد فعالیت تجاری انجام دهد و اگر غیر آن کند عقد مذکور مضاربه نیست. چهارم در عقد مضاربه سرمایه باید وجه نقد باشد. بنابراین سرمایه غیر نقد عقد را از مضاربه خارج می‌سازد. پنجم ید مضارب امانی است. با عنایت به این‌که در مضاربه مالی به مضارب تملیک نمی‌شود سرمایه در ید او امانت است. در نتیجه مسئولیت نام برده هر در فرض تعدی یا تفریط است. ششم مطابق ماده ۵۴۸ قانون مدنی حصه هریک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل از قبیل ربع، ثلث و غیره باشد.

پس از مطالعه ویژگی‌های اساسی مضاربه شاید بتوان گفت که بانک به وکالت از سپرده‌گذار، مبالغ سپرده‌گذاری مدت‌دار را در اجرای قرارداد مضاربه به تصرف اشخاص می‌دهد و سود حاصل از عملیات مذکور را طبق قرارداد متناسب با مدت و مبالغ سپرده سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع

بانک، پس از کسر حق‌الوکاله به سپرده‌گذار می‌دهد. اما به نظر می‌رسد قرارداد سپرده‌گذاری را نباید عقد مضاربه دانست زیرا:

اول قرارداد سپرده‌گذاری بر خلاف مضاربه قرارداد تملیکی و لازم است زیرا شخص وجوه پرداختی را به بانک نمی‌دهد که به وکالت از وی در امور مضاربه به کار گیرد بلکه بانک به عنوان اصیل وجوه سپرده را سرمایه‌گذاری می‌کند به عبارت دیگر مبالغ پرداختی به بانک تملیک می‌شود. دوم در سپرده‌گذاری محدودیتی در تجاری بودن فعالیت اشخاص بر خلاف عامل در عقد مضاربه وجود ندارد .به عنوان نمونه بانک می‌تواند در قالب عقودی همچون مزارعه یا مساقات نیز سرمایه‌گذاری کند. سوم در صورتی که عقد مضاربه مطلق باشد و تجارت خاصی شرط نشود وفق ماده۵۵۳ قانون مدنی عامل می‌تواند هر قسم تجارتی که صلاح بداند نماید و در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند. در حالی که در قرارداد سپرده‌گذاری در فرض اطلاق هم اشخاص در انجام فعالیت تجاری محدود نیستند. چهارم ید بانک با توجه به تملیکی بودن عقد نسبت به موضوع قرارداد دیگر امانی نیست در حالی که بانک سپرده‌های مدت‌دار را تعهد و تضمین می‌کند و در نتیجه هیچ خسارتی متوجه سپرده‌گذاران نیست. پنچم در مضاربه عامل به نیابت از مالک عمل می‌کند و در مقدار سود شریک است. اساسا به علت مالکیت مالک ضرر در اصل مال متوجه وی می‌شود نه مضارب در حالی که در هنگام تسویه حساب، عامل با ادله ی متقاعدکننده نقصان و دخالت علت خارجی را اثبات نماید و این امر به نحوی از انحاء برای بانک ثابت شود عامل صرفا از بازپرداخت سود معاف می‌شود ولی ضامن اصل سرمایه بانک بوده که این مهم در تعارض با ماده ۵۵۸ قانون مدنی در عقد مضاربه است. ششم ضروری نیست سود هر یک از طرفین در قرارداد سپرده‌گذاری به نحو جزء مشاع مشخص شود و برخلاف عقد مضاربه سود مبلغی از پیش تعیین شده و ثابت است ولو به نحو علی‌الحساب.

۲.۵. سپرده‌گذاری و قرارداد قرض

قانون مدنی در ماده ۶۴۸ در تعریف قرض می‌گوید: قرض عقدی است کهبه موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم الرد را بدهد. ویژگی‌های عقد قرض به شرح زیر است: اول قرض عقدی تملیکی است. این مهم به خوبی از صدر ماده ۶۴۸ قانون مدنی قابل برداشت است. در قرض بر خلاف عاریه مال مورد قرض مقترض تملیک می‌شود.

دوم عقد قرض بر خلاف آن چه در فقه شهرت یافته است در حقوق مدنی عقدی رضایی است و دلیلی بر این که قبض شرط صحت آن باشد دیده نمی‌شود. اصل هم بر عدم وجود این شرط است. سوم قرض عقدی لازم است. البته در قانون مدنی تصریحی در این خصوص دیده نمی‌شود اما با این

حال نظر مشهور اندیشمندان حقوقی بر لزوم این عقد است. با قرض مقترض مالک موضوع عقد می‌شود. بنابراین مقرض دیگر نمی‌تواند عین آن را مطالبه کند. مقترض هم نمی‌تواند از پرداخت مثل آن چه گرفته امتناع کند. چهارم در صورتی که مال مورد قرض تلف یا ناقص شود ضمان آن برعهده مقترض می‌باشد که مالک آن گردیده است و ید نام برده مانند مستعیر امانی نیست تا مسئولیت در فرض تعدی یا تفریط او باشد.

در سپرده‌گذاری مدت‌دار از یک سو قصد اصلی سپرده‌گذار مشارکت در سود حاصل از فعالیت‌های بانک است نه قرض دادن مبلغی پول و از سوی دیگر با توجه به تصریح تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی که صراحتا رابطه سپرده‌گذار و بانک را وکالت دانسته است پذیرش قرض بودن آن به مراتب دشوارتر است.

۳. ماهیت حقوقی قرارداد سپرده‌گذاری در نظر علمای علم حقوق

پس از مطالعه اوصاف قرارداد سپرده‌گذاری و مقایسه آن با عقود مشابه اکنون راحت‌تر می‌توان نسبت به ماهیت قرارداد سپرده‌گذاری اظهارنظر نمود. شایسته است به برخی نظریات در این خصوص اشاره شود.

مرحوم دکتر امامی شارح اول قانون مدنی این بحث را ذیل عنوان امامت بر خلاف قاعده مطرح نموده است و می‌گوید در این قرارداد بر خلاف ودیعه اولا مال به امین تملیک می‌شود ثانیا امین متعهد می‌گردد که مثل آن چه گرفته است از حیث مقدار، جنس و وصف مسترد دارد در حالی که در ودیعه، عین باید مسترد شود. ایشان معتقد است این نوع امانت مانند قرض است با این فرق که در قرض، گیرنده مال برای انتفاع خود آن را قرض می‌نماید و در مورد مزبور گیرنده درخواستی ندارد بلکه امانت‌گذار برای نفع خود آن را می‌سپارد. مورد امانت خلاف قاعده مانند مورد قرض اموالی مثلی خواهد بود و عموما نسبت به پول انجام می‌شود.

به کارگیری عنوان امانت خلاف قاعده در حقوق مدنی ما با توجه به مباحثی که پیش‌تر بیان شد خالی از اشکال نیست. زیرا همان طور که مرحوم امامی بیان داشتند در این جا مال به بانک تملیک می‌شود و بانک تکلیف به رد عین مال ندارد بلکه آن چه مسترد می‌شود مثل مال است. مسئولیت بانک هم فراتر از امین است. کما این که در ماده ۴ قانون عملیات بانکی، بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه شده‌اند.

یکی دیگر از صاحب نظران، این قرارداد را قسمی از ودیعه خلاف قاعده دانسته است. او می‌گوید بانک مکلف به برگرداندن مثل مال است نه عین آن. با پیدایش ملکیت برای بانک نسبت به سپرده مشتریان، سپرده‌گذار به یک بستانکار تبدیل می‌شود و هرگاه سپرده‌گذار همه یا بخشی از

سپرده خود را درخواست کند بانک از وجوه متعلق به خود به او پرداخت می‌کند. (کاشانی، ۱۳۸۸، ۱۷۵) ایشان در ادامه می‌گوید از آن‌جا که ماهیت حقوقی سپرده‌گذاری بانکی ودیعه است، بنابراین هرچند سپرده‌گذار از بانک بستانکار می‌شود ولی بانک نمی‌تواند در برابر طلب دیگری که از سپرده‌گذار دارد دست به تهاتر بزند زیرا عقد ودیعه تکلیف رد امانت را به گونه‌ای مطلق بر دوش سپرده‌گیر بار می‌کند.

همان اشکالاتی که بر ودیعه خواندن این عقد گفته شده بر این نظر هم وارد است و به نظر نمی‌رسد ودیعه‌ای را بدون در نظر گرفتن اوصاف اساسی آن تصور کرد.

صاحب کتاب پر ارج الفارق در پاسخ به این سؤال که آیا سپرده بانکی ودیعه است می‌گوید: این قرارداد آثار تملیک دارد زیرا بانک چون مالک، آن را به نفع خود به جریان می‌گذارد و برای خود بهره می‌گیرد. این با طبع ودیعه نمی‌سازد. در این میان بانک بهره‌ای به سپارنده وجه می‌دهد که وجود و حضور قرض (نه ودیعه) را اعلان می‌کند.(جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ۲۴۸)

هیچ‌یک از نویسندگان فوق میان سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه و مدت‌دار قائل به تفکیک میان سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه و مدت‌دار نگردیده‌اند. کاتوزیان سپرده‌های قرض‌الحسنه را از نظر ماهیت قرض می‌داند. ایشان اجرای قواعد قرض را در سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار دشوار می‌داند و حکم تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی که رابطه سپرده‌گذار با بانک را وکالت خوانده با وصف تملیکی بودن قرض منافی می‌داند. مفاد بخش اخیر ماده ۴ قانون فوق که اعلام می‌دارد بانک‌ها می‌توانند بازپرداخت اصل سرمایه‌گذاری مدت‌دار را تعهد و بیمه نماید این نکته را تایید می‌کند و نشان می‌دهد که سرمایه به عنوان وام گرفته نشده است. در مورد ماهیت حقوقی سپرده‌های مدت‌دار ایشان معتقد است که اتحاد ناشی از جمع سرمایه‌ها خود شخصیتی می‌یابد که مدیر آن بانک است. هر صاحبان سپرده در آن سهم دارد لیکن این مجموعه خود اصالت می‌یابد بانک نماینده و مظهر آن شخصیت است. بانک کارگزار هر صاحب سپرده‌ای است و رابطه آن‌ها وکالت نیست. به همین جهت است که سپرده‌گذار نظارتی بر کار بانک ندارد و مرگ و حجر او هم رابطه حقوقی را منحل نمی‌کند. بنابراین سپرده‌گذاری در بانک پیوستن به قراردادی الحاقی و جمعی نظیر خرید سهام یا پذیره‌نویسی در شرکت است. شرکتی که به حکم قانون و بر مبنای نظم خاص به وجود آمده و بانک مدیر و امین آن قرار گرفته است.(کاتوزیان،۱۳۲،۷۵)

در خصوص سپرده‌های مدت‌دار از یک طرف بر تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، مطابق آن‌چه پیش‌تر گفته شد، اشکالات جدی وارد است و قطعا نمی‌توان ماهیت آن را قالب عقد وکالت تحلیل کرد. از طرف دیگر پذیرش تحقق شخصیت حقوقی برای این قسم از سپرده‌ها و اداره آن توسط بانک آن‌گونه که گفته شده است نیز خالی از اشکال نیست. زیرا اولا برای تحقق شخصیت

حقوقی اجزای مختلفی لازم است که یکی از عمده‌ترین آن‌ها اعطای این شخصیت توسط قانون‌گذار است (جعفری لنگرودی،۱۲۳،۱۳۸۳) چه این که در مواد ۵۸۳ به بعد قانون تجارت، قانون‌گذار این شخصیت را به شرکت تجاری پس از تشکیل، به مؤسسات غیرتجاری پس از ثبت و به مؤسسات دولتی وبلدی به محض ایجاد اعطا نموده است. همین طور در مورد موقوفات مطابق ماده ۳ قانون تشکسلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه و... از این رو بسیاری از نویسندگانی که در مقام تعریفی از شخصیت حقوقی به همین مساله اشاره نموده‌اند حال این‌که در خصوص سپرده‌های بانکی چنین شخصیتی از سوی قانون‌گذار اعطا نگردیده است و اصل هم بر عدم وجود چنین شخصیتی است ثانیا آثار پذیرش شخصیت حقوقی هم ملاحظه نمی‌گردد. در این قسم آن‌چه اتفاق می‌افتد این است که سپرده‌گذار وجوه خود را به بانک می‌دهد و بانک می بایست وجوه دریافتی را در فعالیت‌های مذکور در تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا بکار اندازد و سود حاصل شده، وفق ماده ۵ قانون مذکور مطابق قرارداد طرفین متناسب با مدت و مبلغ سپرده تقسیم گردد.

۴. نیاز سیستم بانکی به سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت

بانکداری بدون ربا برای کسانی که می‌خواهند از طریق سپرده‌گذاری در آمدهای ثابت داشته باشند راهکاری ندارد و سپرده‌ای در این زمینه تعریف نشده است. از آن‌جایی که منابع سپرده‌های مدت‌دار در قالب عقود مختلف اسلامی سرمایه‌گذاری می‌شود و سود این عقود در پایان‌دوره سرمایه‌گذاری مشخص می‌گردد. در نتیجه سود کل بانک از قبل تعیین شده نبوده و بنابراین سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار در بانکداری بدون ربا برفرض که بتواند افراد ریسک‌پذیر جامعه را جذب نماید، برای آن گروه از سپرده‌گذاران که ریسک گریزند و در پی کسب درآمد ثابت برای سرمایه‌گذاری هستند، راهکاری ندارد.

یکی از راهکارهای مطرح در این زمینه سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت می‌باشد. این مطلب دو پرسش مهم را پیش می‌آورد: اولا بانک از کجا به تحصیل و اعطای چنین سودی اطمینان می‌یابد؟ ثانیا آیا اعلام سود ثابت بر این سپرده‌ها ممنوعیت شرعی ندارد؟

در زمینه امکان پرداخت سود ثابت به سپرده‌گذاران، به الگوی پیشنهادی اختصاص ندارد بلکه مشکل کل صنعت بانکداری به ویژه بانکداری سنتی نیز است. بانکداری سنتی نیز براساس تجربیات و شناختی که از بازار دارد، بهره معینی را برای وام‌ها و اعتبارات بانکی در نظر می‌گیرد. سپس با کسر درصد معینی به صورت سود بانک، نرخ‌های ثابت و معینی را برای انواع سپرده‌ها اعلام می‌دارد. طبیعی است که در بانکداری سنتی نیز دغدغه‌هایی در زمینه‌هایی نظیر عدم امکان اعطای تسهیلات مطابق برنامه پیش‌بینی شده و ناتوانی در تحصیل مطالبات وجود دارد. در بانکداری سنتی

برای رفع این نگرانی‌ها شیوه‌هایی گوناگونی اجرا می‌گردد که در الگوی ما نیز قابل اجـرا هسـتند. از جمله این شیوه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱.کنترل سپرده‌ها به روش دستوری: اگر بانکی احساس کند که منابع حاصل از کل سـپرده‌هـا یـا سپرده خاصی از مقدار برنامه‌ریزی شده بالاتر رفته یـا احسـاس کنـد در اعطـای تسـهیلات، توفیـق کمتری در برنامه دارد، به صورت آئین نامه‌ای به شعب خود دستور می‌دهـد کـه افتتـاح حسـاب یـا افزایش موجودی سپرده‌ها یا سپرده خاصی را در مدت زمانی متوقف کنند.

۲.کنترل سپرده‌ها به روش تغییر در نرخ سود: اگر بانکی احسـاس کنـد بـه علـت تغییـرات بـازار نمی‌تواند با درصد معینی که برنامه‌ریزی کرده بود تسهیلات اعطاء کند و مجبور است نرخ سود.

۳.تسهیلات را کاهش دهد، همزمان با اعلام کاهش نرخ سود تسهیلات، نرخ سود سپرده‌هـا را نیـز برای ماه‌های آینده کاهش می‌دهد. به این ترتیب از یک سو تقاضای تسهیلات را افزایش و از سـوی دیگر حجم سپرده‌ها کاهش می‌یابد.

۴.کنترل ترکیب منابع به روش تغییر در نرخ انواع سپرده‌ها : گاهی بانـک احسـاس مـی‌کنـد کـه حجم کل سپرده‌ها مناسب است اما ترکیب آن‌ها مطابق پیش‌بینـی شـده نیسـت. در ایـن مـوارد از طریق تغییر درصد سود پرداختی به انواع سپرده‌ها، ترکیب مطلوب را به دست می‌آورند.

۵.کنترل وصول مطالبات: بانک‌ها برای اطمینان از وصول مطالبات به شیوه‌هـای گونـاگونی چـون گرفتن وثیقه و ضمانت‌های معتبر و گاه از طریق بیمه کردن موضوع تسهیلات اعطایی، مورد تخلـف را کاهش می‌دهد.

نتیجه این که بانکداری بدون ربا همانند بانکداری سنتی می‌تواند با روش‌های فوق سود محقـق خود را به سود برنامه‌ریزی شده نزدیک گرداند و اگر انحرافی باشد با انعطاف درصد حق الوکاله ان را برطرف نماید. در زمینه مشروعیت پرداخت سود ثابت موراد زیر را می‌توان مطرح نمود:

۱.طبق تعریف فقیهان ربا در دو صورت پیش می‌آید : یکی در پرداخت هـر نـوع زیـاده (ثابـت یـا متغیر) بر اصل سرمایه در قرارداد قرض و دوم وجود زیاده عینی یا حکمی در خرید و فروش اجناس ربوی (اجناسی که با وزن و پیمانه خرید و فروش می‌شوند و عوضین معامله از یک جـنس باشـد) و طبق ماهیت فقهی سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت این سپرده نه قـرض اسـت و نـه خریـد و فروش اجناس ربوی. بلکه در این سپرده‌ها رابطه سپرده‌گذار و بانک وکالـت اسـت و هماننـد جـایی است که موکل به وکیل خود می‌گوید متاع من را بفروش. فلان مبلـغ را بـه مـن بـده و بقیـه را بـه صورت حق‌الوکاله برای خودت بردار. اگر وکیل این گونه معامله کند و متاع را بفروشد طبـق توافـق آن مبلغ را به صاحب متاع داده و بقیه را کم باشد یا زیـاد بـه صـورت حـق الزحمـه و حـق‌الوکالـه خودش برمی‌دارد. از طرفی اگر وکیل نتواند کالا را بفروشد یا پـس از فـروش نتوانـد قیمـت کـالا را

وصول کند، موکل حق‌مطالبه و وکیل تعهد پرداخت مبلغ مزبئر را نخواهد داشت. اما با توجه به اصول ۴ گانه مطرح شده در بالا این حادثه یا اصلا اتفاق نمی‌افتد یا آن‌قدر ناچیز است که اثرش را در حق‌الوکاله می‌گذارد نه در مبلغ و سود مورد توافق.

۲.بین تعهد حقوقی و تضمین حقیقی فرق است و چیزی که ربا و حرام شمرده می‌شود، تعهد حقوقی است و آن‌چه در سپرده‌ها رخ می‌دهد تضمین حقیقی است. به این بیان که گاه شخص حقیقی یا حقوقی، از فرد یا مؤسسه‌ای مبلغی وجه نقد را گرفته با قطع نظر از این که این مبلغ را راکد نگه دارد یا به کار گیرد و با قطع نظر از این که محل مصرف آن مبلغ، هزینه مصرفی باشد یا فعالیت اقتصادی و با قطع نظر از اینکه فعالیت اقتصادی سودی داشته باشد یا نه، و اگر دارد سودش قطعی است یا احتمالی و با قطع نظر از اینکه برنامه روشمندی برای تحصیل سود دارد یا نه، متعهد می‌شود اصل سرمایه را همراه زیاده معینی برگرداند. این تعهد حقوقی و رباست و تعریف ربا بر آن صدق می‌کند.اما اگر طبق الگوی سپرده سرمایه‌گذاری با سود ثابت مؤسسه خاصی مثل بانک با توجه به تجربه چندین ساله، برنامه مشخصی برای به کارگیری سپرده‌ها در عقود معین با سود معینی و راهکارهای عملی و علمی برای کنترل و هدایت آن‌ها داشته باشد و برای وصول مطالبات شیوه‌های متعددی را به کار گیرد، اطمینان عقلایی می‌یابد که در پایان هر دوره مالی، چه اندازه سود خواهد داشت.

نکته جالب توجه این است که در عملیات بانکی، جیزی که روی تصمیم سپرده‌گذاران مؤثر است تضمین حقیق است. یعنی سپرده‌گذار اطمینان حاصل کند که بانک طرف قرارداد توانایی کسب سود و تصمیم بر اعطای حق سپرده‌گذار را دارد. اما اگر چنین اعتمادی وجود نداشته باشد در صورتی که بانک انواع سندهای حقوقی را هم ارائه کند، سپرده‌گذار به سپرده‌گذاری رغبت نخواهد کرد.

نظریه وکالت عام و مشکلات آن

یکی از پربسامدترین واژه‌های حقوقی در بازارهای مالی تهاتر است. تهاتر باعث افزایش سرعت معاملات، کاستن از هزینه‌های نگهداری و وصول مطالبات و ارتقای نظام مالی می‌شود. تهاتر علاوه بر ویژگی‌هایش، مبنای حقوقی قاعده تجمیع حساب‌ها نیز است. براساس قاعده تجمیع حساب‌ها، هر مشتری اگرچه ممکن است حساب‌های متعددی نزد بانک داشته باشد و همچنین بدهی‌هایی نیز به آن بانک داشته باشد اما در تحلیل نهایی مشتری صرفا یک دین به بانک یا یک طلب از آن دارد و روابط حقوقی متعدد آن در نهایت در قامت یک رابطه واحد خود را نشان می‌دهد. اما نظریه وکالت عام، چگونه مانع از تجمیع حساب‌ها و تهاتر می‌شود؟ پاسخ ساده این است که هنگامی که

مشتری حساب سپرده سرمایه‌گذاری نزد بانک افتتاح می‌کند، از بانک طلبکار نمی‌شود بلکه وجوه خود را در اختیار بانک قرار می‌دهد تا به عنوان وکیل وی با آن سرمایه‌گذاری کند و چون بانک به سپرده‌گذار بدهکار نمی‌شود، تهاتری نیز رخ نخواهد داد. عدم تهاتر و تجمیع حساب‌ها هزینه‌های معامله را بالا برده و ریسک‌های بانک و مشتری را بالا می‌برد. در چنین حالتی اگر بانک مطالبات خود را از حساب سرمایه‌گذاری فرد برداشت کند، هیچ بعید نیست که بانک را بتوان به اتهام خیانت در امانت تحت تعقیب قرار داد. تجمیع حساب‌ها که در بانکداری متعارف دنیا رخ می‌دهد با نظریه وکالت عام غیرممکن می‌شود و سبب می‌شود که بانک برای مدیریت ریسک‌های خود از روش‌های پرهزینه‌تر نظیر وثیقه گرفتن املاک برود.

صندوق ضمان سپرده‌ها

صندوق ضمانت سپرده‌ها در هنگام ورشکستگی یک بانک شروع به کار می‌کند. وقتی بانکی ورشکسته می‌شود، صندوق ضمانت سپرده‌ها مطالبات سپرده‌گذاران آن را تا سقف مشخصی پرداخت می‌کند. به عبارت دیگر در صورت وجود چنین صندوقی، سپرده‌گذاران بانک ورشکسته مجبور نیستند که منتظر تصفیه بانک باقی بمانند و می‌توانند مطالبات خود را سریع‌تر از سایر طلبکاران و از طریق صندوق ضمانت سپرده‌ها دریافت کنند. نظریه وکالت عام در اینجا نیز مساله ساز است. چون سپرده‌گذاران سپرده‌های مدت‌دار طلبکار بانک نیستند و وجه را نزد بانک امانت گذاشته‌اند، دیگر نیازی به صندوق تضمین سپرده‌ها نمی‌بینند و می‌توانند عین وجه خود را از بانک دریافت کنند. از نمونه‌های مطرح صندوق تضمین سپرده، شرکت فدرال بیمه سپرده (FDIC) در امریکاست. وظیفه شرکت مزبور بیمه سپرده‌ها تا سقف ۲۵۰ هزار دلار است. همانند هر شرکت بیمه دیگری متناسب با ریسک، حق بیمه گرفته می‌شود و این مبلغ را از بانک تحت پوشش خود اخذ می‌کند. فدرال بودنش بدین معناست که اتکای بیمه به خزانه دولت است. به عبارت دیگر اگر زمانی توان جبران خسارت سپرده‌های مردم در یک بانک ورشکسته تا سقف مذکور را نداشته باشد خزانه از محل مالیات و در صورت کسری بودجه از محل استقراض از بازار این تعهدات را برآورده خواهد کرد. شرکت بودن آن بدین معنی است که حق بیمه‌ها به گونه‌ای باشد که صرفه اقتصادی داشته باشد. همچنین این صندوق‌ها طیف وسیعی ازبانک‌ها را در برمی‌گیرند. نیاز به وجود چنین صندوقی در ایران برای بالاتر بودن اعتماد عمومی به سیستم بانکی ضروری می‌باشد.

نتیجه‌گیری

ماهیت حقوقی قراردادهای سپرده‌گذاری برای مدت‌ها مسکوت مانده بود. علت این امر شاید عدم پیش‌بینی بحث در قوانین بود تا این که در سال ۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا سپرده‌ها را به قرض‌الحسنه و مدت‌دار تقسیم نمود. نتایج پژوهش حاضر به شرح زیر است:

الف: قرارداد سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها دارای خصایصی بدین شرح است: اولا قراردادی تملیکی هستند. زیرا در ماده ۴ آئین نامه فصل دوم قانون عملیات بانکی تملیکی بودن سپرده‌های قرض‌الحسنه که خود شامل پس‌انداز و جاری است با این عبارت مورد تایید قرار گرفته است که سپرده قرض‌الحسنه جزء منابع بانک محسوب است. در سپرده‌های مدت‌دار باید گفت که با توجه به ماهیت این قسم از قراردادهای سپرده‌گذاری، قصد متعاقدین، عرف بانکداری و این که بانک در آن بسان مالک تصرف می‌کند و طرف قرارداد هم بانک را اصیل می‌داند نه وکیل، می‌بایست آن را تملیکی دانست. ثانیا قراردادی لازم است. ثالثا قرارداد سپرده‌گذاری قراردادی عینی محسوب می‌شود.

ب: سپرده‌گذاری مدت‌دار با عقود معین مذکور در قانون مدنی همسان نیست. بدلیل اینکه عقود به ظاهر مشابه، دارای خصایصی کاملا متفاوت از قراردادهای سپرده‌گذاری مدت‌دار است. با توجه به اوصاف و آثار بررسی شده قرارداد سپرده‌گذاری مدت‌دار و مقایسه آن با اوصاف سایر سپرده‌ها، در سپرده‌گذاری مدت‌دار با رد هر گونه قالب عقود معین می‌بایست ماهیتی مستقل در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی به شرح زیر برای آن‌ها قائل شد. یادآور می‌شود با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی و مقررات بانکی بدون ربا مشکلی از باب شروط ابتدایی دیگر مطرح نیست تا بر لزوم توجیه این قرارداد در قالب عقود معین قانون مدنی علی رغم تفاوت‌های اساسی آن‌ها تاکید گردد.

پ: در سپرده‌های مدت‌دار از یک طرف بر تبصره ماده ۳ قانون بانکی بدون ربا که ماهیت آن را وکالت خوانده است اشکالات جدی وارد است. نظیر این که بانک در فعالیت‌های اقتصادی خود که وجوه آن را از محل سپرده‌گذاری‌ها به دست می‌آورند عملا به عنوان مالک و نه ماذون از ناحیه سپرده‌گذار عمل می‌نمایند و اشخاص طرف قرارداد با بانک‌ها نیز آن‌ها را اصیل می‌دانند نه وکیل. از این رو اعمال بانک‌ها دامن‌گیر خود آن‌ها می‌شود و نه سپرده‌گذار. اما اگر بگوییم قرارداد سپرده‌گذاری مدت‌دار وکالت است یعنی بانک به عنوان نماینده موکل عمل می‌کند و تعهدات قراردادی بانک‌ها با ثالث باید دامن‌گیر اصیل یعنی سپرده‌گذار شود و بانک‌ها حساب‌های دوره وکالت خود را نیز به سپرده‌گذاران وفق ماده ۶۶۸ قانون مدنی ارائه دهند اشکال دیگر این که اگر مسئولیت بانک را بسان وکیل در صورت تعدی و تفریط در نظر آوریم، رغبت سپرده‌گذاران برای سپرده‌گذاری به شدت کاهش می‌یابد. همچنین اگر بانک بخواهد به عنوان وکیل در فعالیت‌های

موضوع تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی از سوی سپرده‌گذار شرکت کند به این معناست که سود حاصل از اعمالی که به نیابت انجام می‌دهد برای موکل یعنی سپرده‌گذار باشد. چون اصیل سپرده‌گذار است و بانک باید صرفا به گرفتن حق‌الوکاله اکتفا نماید. از طرف دیگر پذیرش تحقق شخصیت حقوقی برای این قسم از سپرده‌ها و اداره آن توسط بانک نیز خالی از اشکال به نظر نمی‌رسد زیرا اولا یکی از مهم‌ترین شرایط تحقق چنین شخصیتی اعطای آن از سوی قانون‌گذار است همان‌طور که در مواد ۵۸۳ به بعد قانون تجارت قانون‌گذار این شخصیت را به شرکت تجاری پس از تشکیل، به مؤسسات غیرتجاری پس از ثبت و به مؤسسات دولتی و بلدی به محض ایجاد اعطا کرده است. حال اینکه در خصوص سپرده‌های بانکی چنین شخصیتی از سوی قانون‌گذار اعطا نگردیده است و اصل هم بر عدم وجود چنین شخصیتی است. ثانیا آثار پذیرش شخصیت حقوقی هم ملاحظه نمی‌گردد.

در این قسم آن چه اتفاق می‌افتد این است که سپرده‌گذار وجوه خود را به بانک می‌دهد و بانک می‌بایست وجوه دریافتی را در فعالیت‌های مذکور در تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا بکار اندازد و سود حاصل وفق ماده ۵ قانون مذکور مطابق قرارداد طرفین متناسب با مدت و مبلغ سپرده تقسیم گردد.

ت : ارائه الگویی جهت تشکیل سپرده‌های سرمایه‌گذاری با سود ثابت، همچنین ارائه مشکلات نظریه عام وکالت جهت تجمیع و تهاتر حساب‌ها در بانک و لزوم ایجاد و توسعه صندوق ضمانت از سپرده‌ها در ایران نیز در ادامه پژوهش بررسی و پیشنهاد گردید.

منابع

۱. امامی، سیدحسن، ۱۳۳۳، حقوق مدنی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۶، الفارق، انتشارات گنج دانش.
۳. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۳، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، شرکت سهامی انتشار.
۴. کاشانی، محمود،۱۳۸۳، قراردادهای ویژه، بنیاد حقوقی میران.
۵. علیشاهی قلعه جوقی، ابولفضل، لطیفی، سیده سعیده، ۱۳۹۲، بررسی نظریه ودیعه‌گذاری مالکیت در سپرده‌های بانکی، دوفصلنامه دانش حقوق مدنی.
۶. فراهانی‌فرد، سعید، ۱۳۷۷، مسئله شناسی بانکداری اسلامی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.